یادداشت روز

انقلابی باشید؛ یعنی پای کار بیایید

۱- «صلاح و فساد» امور و «ثبات و امنیت یا بی‌ثباتی و ناامنی» دل‌مشغولی مهمی است. همواره برای دلسوزان جوامع این پرسش مطرح می‌شود که جامعه ما محکوم به قهقرا و فناست؛ یا بقا و ارتقا و اعتلا و پیشرفت؟ بی‌تردید پرسش‌هایی از این قبیل، دغدغه یک ملتِ جویای پیشرفت و نشانه حیات اوست؛ اینکه عوام و خواص جامعه رصد کنند که آیا روند امور به سامان و صلاح است یا میل به نابسامانی (تباهی فرصت‌ها و تولید ناامنی و بی‌ثباتی) دارد؟

۲- فساد فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و اخلاقی کمش هم زیاد است؛ درست مانند میوه گندیده درون یک سبد که اگر به موقع پالایش نشود، میوه‌های سالم را هم متعفن و تباه می‌کند. برخی از این عفونت‌ها، عوام و خواص ما را متاثر و هوشیار می‌کند (مانند جنایت وحشیانه پارسال و امسال علیه دو کودک معصوم به نام‌های ستایش و آتنا) و برخی دیگر، حساسیت کمتری برمی‌انگیزد. از شنیدن خبر جنایت جنسی علیه دو کودک بشدت به هم می‌ریزیم_ و حق هم همین است _ اما بعضا در قبال ترویج فساد در شبکه‌های انبوه ماهواره‌ای و مجازی که مانند افروختن آتش جرم و جنایت و خیانت یا ریختن بنزین روی آن است، حساسیت خود را از دست داده‌ایم. حتی برخی مدیران ما به نحوی به ماجرا نگاه می‌کنند که لاجرم، خروجی ذهن و قول و عمل آنها، بسترسازی تولید انبوه فساد است.

۳- درباره فساد دو تلقی وجود دارد. اولی بر آن است که انواع مفاسد، به شکل طبیعی اتفاق می‌افتد و هیچ مهندسی و نقشه‌ای پشت آن نیست؛ هرچه هست متعلق به سازوکار خود ماست. اما نظریه دوم ضمن پذیرش عوامل عادی و طبیعی، این گمانه مستند به انواع شواهد را مطرح می‌کند که پشت سر برخی ناهنجاری‌ها و مفاسد، طراحی بدخواهانه‌ای نیز علیه ملت و نظام ما وجود دارد. یعنی دشمنانی که ما را حریف قدرتمندی در مقابل یکه تازی جهانی خود می‌بینند، ترویج انواع مفاسد یا نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را به عنوان «راهبرد بی‌ثبات‌سازی» و « تضعیف اقتدار ملی ایران» در دستور کار قرار داده‌اند.

۴- یک قرینه این است که طیف بدخواه خارجی-داخلی در اغلب مفاسد، یا سهیم است و یا در مقابل مبارزه و برخورد با آن، هوچی‌گری و کارشکنی می‌کنند تا جایی که دست مسئولان برای مبارزه بلرزد. کار سوم این جبهه در عرصه پیام و رسانه، بزرگ کردن و چند برابرنمایی فساد است به نحوی که احساس غرق‌شدگی مصنوعی و ناامیدی و فشلی به مردم و مسئولان دست دهد. ترکیب این ۳ اتفاق، پدیده خطرناکی است که وقتی با بی‌عملی و انفعال برخی مسئولان همراه شود، می‌تواند راه اصلاح امور را ببندد و ترمز راه پیشرفت شود.

۵- همین جا باید به تاکید گفت که الزاما هر سوء تدبیر یا تخلف و فسادی، توطئه نیست. چه بسا سوءتدبیرها و مفاسدی که حاصل «طغیان شهوات» در افراد یا «مستی اشرافیت» است. اما ماجرا از جایی تبدیل به پروژه می‌شود که پای شگرد «آلوده سازی» عمومی یا خواص از سوی دشمن به میان می‌آید و نشانه‌هایی از ریل‌گذاری دشمن دیده می‌شود؛ یا دست‌کم در مواجهه با فساد و انحراف، هیاهو و کارشکنی دیده می‌شود. در عین حال، درهر دو فرض طبیعی یا مهندسی شده بودن نابهنجاری‌ها، اگر توانستیم بسیج اجتماعی مقابله‌جویانه و برخورد قاطع حاکمیتی را تدارک کنیم، راه فسادگری و بی‌ثبات‌سازی سد خواهد شد و بی‌تردید - حتی اگر جایی هم خطا و کم‌کاری کرده باشیم - روند حرکت کلی ما رو به صلاح و پیشرفت خواهد بود. اما اگر در این بسیج دو سویه کوتاهی کردیم، نقطه پایان بر پویش تمدن‌سازی ملی خود گذاشته‌ایم.

۶-اشرافیت چه در شکل فردی و چه در وجه سیاسی آن، میل به قانون‌شکنی، دست درازی و خودکامگی دارد. اگر این روحیه سرکش و طغیانگر مهار نشود، ابتدا عرصه را بر آمران به معروف و ناهیان از منکر و سپس بر نهادهای نظارتی حاکمیتی تنگ می‌کند. چنین اشرافیتی تا آنجا جسور می‌شود که مثلا جناب ابوذر را به خاطر اعتراض به بدعت‌ها و زراندوزی‌ها، به بیابان ربذه تبعید می‌کند و تنها امیرمومنان و حسنین (علیهم السلام) جرئت می‌کنند این صحابی صریح و صادق پیامبر(ص) را بدرقه کنند. یا؛ ولید حاکم کوفه با مستی به نماز جماعت می‌ایستد اما اشرافیت غالب جرئت می‌کنند در پایتخت (مدینه) شاهدان معترض را به باد تنبیه و کتک بگیرند!

۷- چرا این انحراف و انحطاط پیش آمد؟ به تعبیر سعدی «درختی که اکنون گرفتست پای - به نیروی شخصی برآید ز جای/ و گر همچنان روزگاری هلی - به گردونش از بیخ بر نگسلی/ سر چشمه شاید گرفتن به بیل - چو پر شد، نشاید گذشتن به پیل». پس از رحلت پیامبر اعظم (ص) ، وضعیت بغرنجی به واسطه کجروی برخی اصحاب و انفعال و تعلل و محافظه‌کاری برخی دیگر پدید آمد که امیرمومنان(ع) را خانه‌نشین کرد. صبر و سکوت پرغصه امیرمومنان و امام حسن (ع)، بی‌تردید برترین مصلحت آن روزگار بود اما آیا اگر اصحاب پیامبر (ص) در همان روز رحلت حضرت پای حق می‌ایستادند و صریح سخن می‌گفتند و به تدریج در مارپیچ سکوت (زبان در کام کشیدن به خاطر احساسِ در اقلیت بودن) گرفتار نمی‌شدند، کار به شهادت حضرت زهرا (س) و تبعید جناب ابوذر و تنبیه شاهدان بدمستی ولید می‌کشید؟ یا اگر همه به رسم عمار روشنگری می‌کردند، معاویه و عمروعاص غالب می‌شدند؟

۸- از فتح مکه تا جنایت کشتن فرزند رسول خدا (ص) در کربلا، نیم قرن سال فاصله است. این انحراف و جنایت بزرگ به تدریج ساخته شد. عبدالله بن سعد بن ابی سرح، برادر رضاعی یکی از صحابه بود. هنگامی که پیامبر(ص) وارد مکه شد، فرمان عفو عمومی حتی برای امثال ابوسفیان صادر کرد اما با همه عطوفت ، به حکم الهی فرمود شش مرد و چهار زن باید مجازات شوند که عبدالله بن سعد یکی از آنها بود. او جزو کاتبان وحی بود، امّا پس از مدتی مُرتَدّ شد و به مکه بازگشت و ضمن تحریف قرآن، به سبّ پیامبر پرداخت تا آنجا که آیه توبیخ‌آمیز « وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللهِ كَذِباً أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يوحَ إِلَيهِ شَيْ ءٌ...» نازل شد.

۹- پیامبر پس از فتح مکه به حکم پروردگار فرمود عبداللّه را بکشند، حتی اگربه پرده کعبه آویخته باشد. عبدالله به برادر رضاعی خود پناه برد. آن صحابی، عبدالله را نزد پیامبر آورد و امان خواست. رسول خدا(ص) دیرزمانی ساکت ماند و سر بلند نکرد، تا اینکه سرانجام پذیرفت. آن صحابی و برادرش بازگشتند. پیامبر (ص) روی به حاضران کرد و فرمود «من سکوت کردم تا مگر یک تن از شما برخیزد و گردن او را بزند». اصحاب در پاسخ گفتند «ایما و اشاره‌ای به ما می‌کردی تا گردنش را بزنیم». و رسول خدا(ص) فرمود «شایسته نیست پیامبر به گوشه چشم ایما و اشاره کند». این قبیل بی‌عملی و تعلل اصحاب موجب شد تا همان مرتد محکوم به اعدام، در زمان خلیفه دوم و سوم به امارت مصر برسد!

۱۰- عبیدالله بن زیاد هنگامی که همراه چند نفر به شکل ناشناس به کوفه آمد، حتی اقلیت هم محسوب نمی‌شد اما با تطمیع و تهدید و فریب، اکثریت ساخت. او امثال شریح قاضی را به خدمت گرفت تا با شهادت دروغ درست سربزنگاه، عوام و خواص را متحیر و منفعل و خلع سلاح کنند. سلیمان بن صردهایی هم بودند که تردید دینی کردند آیا صلاح است به کمک امام بشتابند یا نه ! ابن‌زیاد ظرف چند هفته در کوفه کودتا کرد و سپس جنایت کربلا را پدید آورد. امام حسین(ع) یک سال قبل از قیام کربلا، در منا خطاب به ۷۰۰ نفر از اصحاب پیامبر(ص) و تابعین، درباره تکرار سرنوشت علما و بزرگان لعنت شده یهود که امر به معروف و نهی از منکر را تعطیل کرده بودند، هشدار داد و فرمود شما به اعتبار دین آبرو پیدا کرده‌اید اما در برابر زیر پا ماندن احکام الهی و حقوق مردم اعتراض نمی‌کنید، هر چند که در قبال تعصبات جاهلی و قبیله‌ای خود، به خشم و غیرت در می‌آیید.

۱۱- رهبر حکیم انقلاب ۲۱ سال قبل به تبیین نقش دوگانه خواص در اعتلا و انحطاط جامعه پرداختند و فرمودند «تصمیم‌گیری خواص در وقت لازم، تشخیص خواص در وقت لازم، گذشت خواص از دنیا در لحظه لازم، اقدام خواص برای خدا در لحظه لازم؛ اینهاست که تاریخ و ارزش‌ها را نجات می‌دهد و حفظ می‌کند. در لحظه لازم، باید حرکت لازم را انجام داد. اگر تأمّل کردید و وقت گذشت، دیگر فایده ندارد». ایشان در چند سال اخیر نیز از همه (دانشجویان، اساتید، علما و اعضای مجلس خبرگان، دولتمردان، نمایندگان مجلس، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، سفرا و دیپلمات‌های جمهوری اسلامی و ...) یک مطالبه راهبردی داشته‌اند: صریح باشید، انقلابی بمانید و انقلابی عمل کنید. از متن این راهبرد کلان، هرگز دعوت به عدم تحلیل، چشم بستن بر نفوذطلبی دشمن یا رخنه‌جویی مفسدان و جماعت زد و بندچی با اجنبی، و تردید و تعلل به جای اقدام و عمل در نمی‌آید.

۱۲- در مقابل نابهنجاری‌ها و مفاسد و سوءتدبیرها مخصوصا آنجا که مقیاس ملی پیدا می‌کند، نمی‌توان بی‌تفاوت یا منفعل بود و یا نظارت‌های قانونی و مطالبات رسانه‌ای قانونمند را به تعطیلی کشاند. برخی مدیران مایلند ضمن پنهانکاری و مدیریت تاریکخانه‌ای، جامعه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند و ضمنا با پیشدستی در قبال سؤال و مواخذه‌های بعدی، از خود و عملکرد خویش، امر مقدس بسازند. ما این رویکرد را در ماجرای برجام و سپس تعهد یواشکی به FATF و یونسکو (سند فرهنگی ۲۰۳۰) و برخی قراردادهای محرمانه گاز و نفت و خودرو و ... مشاهده می‌کنیم. رهبری بارها به صراحت می‌فرمایند «من در جزئیات دخالت نمی‌کنم ... ما چیز محرمانه‌ای نداریم... مسئولین امر باید مراکز نظارتی را در جریان جزئیات قرار دهند و روال قانونی را طی کنند و نظر منتقدان را (مثلا در موضوع برجام یا قراردادهای جدید نفتی و ...) بشنوند». اما باز هم برخی مدیران ادعا می‌کنند که همه چیز با جزئیات هماهنگ شده است! (حتی اگر مثلا درست در زمان میزبانی فرانسه از منافقین، با شرکت فرانسوی قرارداد ببندند و امضاکننده هم محکوم پرونده فساد کرسنت باشد و...). به عنوان یک تجربه، ۲۹شرط برای قبول و اجرای برجام از سوی نظام تعیین شد اما دولت، توافق را بدون رعایت اغلب آن شروط به اجرا گذاشت، حالاهم که کار گره خورد و خسارت‌ها آشکار شده، با بی‌صداقتی می‌گویند این تصمیم کل نظام بود و تخطئه برجام و روند اجرای آن، تخطئه کل نظام است!

۱۳- برخی متولیان امر که باید دستگاه‌های نظارتی و نخبگان اجتماعی و رسانه‌ای را ترغیب به امر به معروف کنند، بعضا به خاطر تشخیص اشتباه، تبدیل به ترمز مؤاخذه و مطالبه می‌شوند.این به دور از مطالبه رهبری است. تنگ کردن عرصه نقد منصفانه، مطلوب بدخواهان خارجی و داخلی است. فراتر از مصادیق نقد، باید در مقابل این خودکامگی اشرافیت آلوده به نفوذ ایستاد. اگر توانستیم فریضه امر به معروف و نهی از منکر را (که «تقام بها الفرائض» است) در مقیاس ملی و اجتماعی و سیاسی برپا کنیم، بی‌تردید بالنده و رو به پیشرفت هستیم حتی اگر خطا و نقصان در برخی امور ما باشد. اما اگر این مهم به حاشیه افتاد، بی‌تردید میل به قهقرا کرده‌ایم، حتی اگر مثلا در ظواهر اقتصادی و تمدنی پیش برویم.

محمد ایمانی

گزارش کیهان از نعل وارونه رسانه‌های آلوده

دیروز قول جان کری سند بود امروز اعتراف توتال به رشوه سند نیست!

سرویس سیاسی -

روزنامه‌های زنجیره‌ای به دنبال انتشار سند رشوه‌دهی توتال به یک مقام دولت وقت ایران در دوره سازندگی و اصلاحات و پس از آن که نتوانستند اصالت این سند را انکار کنند در یک فرافکنی آشکار تلاش کردند تا نشان دهند اعتراف توتال به رشوه سند نیست و نباید به احکام دادگاه‌های آمریکایی استناد کرد ، جالب آن که همین روزنامه‌ها دی ماه سال ۹۴ و در پاسخ به انتقاداتی در رابطه با ضمانت اجرای برجام تیتر زده بودند «امضای وزیر خارجه آمریکا تضمین است»!

به دنبال انتشار سندی در شماره پنجشنبه گذشته کیهان که نشان می‌داد توتال به پرداخت رشوه به یکی از مقامات دولت وقت ایران در دوره سازندگی و اصلاحات اعتراف کرده و بابت این تخلف جریمه نیز پرداخت کرده است روزنامه‌های زنجیره‌ای دو رفتار متفاوت از خود نشان دادند ، نخست آن که با اشاره به تاریخ این سند یعنی سال ۲۰۱۳ مدعی شدند تخلف در دولت سابق روی داده است و نه دوره سازندگی و اصلاحات و با این حربه به کیهان حمله کردند و در ادامه وقتی دیدند تاریخ سند با روز وقوع جرم متفاوت بوده و در سند به زمان پرداخت رشوه دقیقا اشاره شده است با فرار به جلو تاکید کردند حکم دادگاه آمریکایی سند نیست!

زنگنه وزیر نفت در جلسه چهارشنبه گذشته مجلس شورای اسلامی طی اظهاراتی ضمن دفاع از قرارداد با توتال پرداخت رشوه از سوی این شرکت فرانسوی را تکذیب کرده و گفت: «برخی می‌گویند این شرکت رشوه گرفته است؛ من می‌گویم سوابق را به قوه قضائیه بدهید تا ممنوع‌المعامله شود؛ من از توتال پرسیده‌ام و آنها می‌گویند: اینطور نیست و ما هیچ جا محکوم نشده‌ایم و موضوعی که در بورس آمریکا بوده یک کلمه آن مربوط به ایران نیست.»

اظهارات زنگنه نوعی تجاهل محسوب می‌شد چرا که موضوع اصلی نه دریافت رشوه از سوی توتال که پرداخت آن بوده است تا بتواند قراردادی سودآور با طرف ایرانی منعقد کند ، کیهان در شماره پنجشنبه گذشته خود سندی در این راستا منتشر ساخت که نشان می‌داد « توتال هنگامی که تصمیم به سرمایه‌گذاری در بورس آمریکا گرفت، مورد بررسی صورت‌های مالی از سوی اداره کل اسناد مالی وزارت دادگستری آمریکا واقع شد و در آنجا رسما اعلام شد که توتال به یک مقام رسمی دولت ایران(مراد دولت اصلاحات است) رشوه داده است و به همین خاطر در سال ۲۰۱۳ یعنی چند سال بعد و پس‌از افشای ماجرا به پرداخت ۲۴۵ میلیون دلار جریمه مزبور محکوم می‌شود.»

این سند به صورت رسمی و قابل دسترسی برای همگان در سایت وزارت دادگستری آمریکا نیز منتشر شده است ، به دنبال بازنشر آن در کیهان، روزنامه‌ها و رسانه‌های زنجیره‌ای با اشاره به تاریخ ۲۰۱۳ مندرج در سند به شادی و پایکوبی پرداختند ، گویی یک گاف بزرگ را کشف کرده‌اند که رقیب را بر زمین خواهد زد.

این رسانه‌ها تلاش کردند تاریخ انتشار حکم در سایت وزارت دادگستری آمریکا را به عنوان روز انجام تخلف جازده و این‌گونه القا کنند که رشوه توتال به مقامات دولت سابق بوده است نه دولت سازندگی و اصلاحات ولی نگاهی به متن اسناد موجود گاف بزرگ زنجیره‌ای‌ها را نشان می‌دهد.

این روزنامه‌ها و رسانه‌ها با اشاره به تاریخ سند که به سال ۲۰۱۳ مربوط می‌شود مدعی شدند که کیهان نتوانسته تاریخ آن را تغییر دهد و جرمی که مربوط به دولت قبل بوده را به دولت یازدهم و یا اصلاحات منتسب کرده است!

در گزارش دیروز کیهان به این موضوع به صورت تفصیلی پرداخته و به نقل از وزارت دادگستری که « در مجموع از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۴ از مجرای مقام‌های رسمی ایران ، توتال مجموعا مبلغ ۶۰ میلیون دلار را پرداخت کرد تا مقامات رسمی ایرانی از نفوذ خود استفاده کنند و توتال را در کسب امتیازات و منافع در حوزه نفتی کمک کنند . این امتیازها عبارتند از پروژه‌هایی در جزیره سیری و پروژه‌هایی در میدان نفتی و گازی پارس جنوبی. در حالی که تمامی مبالغی که توتال آنها را به مقامات خارجی پرداخت کرده، غیرقانونی و بطور قطعی رشوه بوده است، آنها با سوء استفاده از قانون ، این مبالغ را تحت عنوان «هزینه‌های توسعه تجاری» پرداخت کردند.»

ترجمه بخش‌هایی از این سند در شماره دیروز کیهان منتشر شد تا مشخص گردد زنجیره‌ای‌ها نه سواد مطالعه سند و ترجمه آن را دارند و نه انگیزه‌ای برای پذیرش واقعیت‌های قرارداد با شرکت آلوده توتال!

قول آمریکا دیروز سند بود ولی امروز سند نیست!

با روشن شدن اصل موضوع که دیگر زنجیره‌ای‌ها توان انکار آن را نداشتند بار دیگر به تکاپو افتادند ولی این بار از موضع و جهتی دیگر به ماجرا نگاه کردند، آن‌ها که تا دیروز قول و امضای کری را سند می‌دانستند امروز می‌گویند چرا کیهان به اعتراف توتال و یا حکم دادگاه آمریکایی استناد می‌کند؟!

روزنامه زنجیره‌ای شرق در شماره دیروز خود از این منظر به ماجرا نگاه کرده و نوشت : اگر به‌راستی سایت وزارت دادگستری آمریکا و البته نهادهایی از این دست در ایالات متحده، مرجعی قابل استناد برای ایران هستند، پس آیا می‌توان به دیگر ادعاهایشان علیه ایران اعتماد کرد؟ نکته آنکه نباید فراموش کرد اینها همان مراجعی هستند که حکم‌هایی درباره سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و البته برخی مقام‌های ایرانی صادر کرده‌اند. دلواپسان باید پاسخ دهند که آیا به همان اندازه که درباره توتال به این نهاد استناد می‌کنند، درباره مسائل دیگر هم این نهاد را تأیید می‌کنند؟

نویسندگان این روزنامه زنجیره‌ای به عمد تجاهل کرده و نمی‌گویند که این همان آمریکایی است که چندی پیش امضای وزیر خارجه آن را پای برجام سند دانسته‌اند و حال امروز چه شده است که حکم دادگاه این کشور علیه یک شرکت دیگر را مستند نمی‌دانند؟!

روزنامه شرق در شماره سه شنبه یک دی ۱۳۹۴ با این تیتر که « امضای کری تضمین است » به نقل از عراقچی نوشته بود «زمانی که وزیر امور خارجه نامه‌ای را امضا می‌کند، برای کشورش تعهد حقوقی و سیاسی ایجاد می‌کند. آقای کری ... با این تعهد که برای دولت آمریکا ایجاد کرده، اجرای موفق برجام را در حقیقت تضمین کرده و گفته آمریکا به تعهداتش در برجام به‌گونه‌ای عمل می‌کند که نقضی در آن وجود نداشته باشد و قانون مربوط به لغو روادید که کنگره تصویب کرده را به گونه‌ای اجرا خواهد کرد که منافع اقتصادی ایران متأثر نشود ... بنابراین ایشان تضمین داده ... آمریکا به تعهدات برجامی خود عمل کرده و اجازه نمی‌دهد منافع اقتصادی که ایران باید در اثر برجام داشته باشد، دچار خدشه شود»

البته این تنها روزنامه شرق نیست که پس از افشای سند پرداخت رشوه از سوی توتال به این نوع استدلال یعنی غیرقابل استناد بودن احکام دادگاه‌های آمریکا استناد کرده است، روز شنبه نیز برخی کانال‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان نیز از این منظر به ماجرا نگریسته و نوشته بودند «از کی احکام دادگاه‌های آمریکا برای ایران سند شده است که به آن استناد می‌شود؟»

رسانه‌های حامی دولت به این نکته عالما و عامدا توجه نمی‌کنند که اولا توتال تخلف و جرم خود در رشوه‌دهی به یکی از مقامات دولت وقت کشورمان را پذیرفته و بر اساس این پذیرش اتهام، جریمه پرداخت کرده است و حال زنجیره‌ای‌ها بایستی به این سؤال پاسخ دهند که از کی ما باید خیانت‌ها و تخلفات مرتکب شده شرکت‌های خارجی که خود نیز بدان اعتراف دارند بزک کرده و آنها را انکار کنیم؟!

نکته دیگر این که روی سخن در انتشار سند وزارت دادگستری آمریکا این نبوده و نیست که اتهامات آنان علیه ایران و یا هر کشور دیگری درست است بلکه سخن اینجا است که یک شرکت فرانسوی به نام توتال به پرداخت رشوه به یک مقام دولت وقت ایران در دوره سازندگی و اصلاحات اعتراف و جریمه نیز پرداخت کرده است. اگر اظهارات آنان درباره دیگران سند نباشد آیا اعترافشان درباره جرائم و خیانت‌های خود نیز سند نیست؟!

رپرتاژ برای مقام ارشد اطلاعاتی فرانسه در روزنامه زنجیره‌ای

در این میان نگاهی به گزارشات منتشر شده در روزنامه‌های زنجیره‌ای نشان می‌دهد که این رسانه‌ها صفحات خود را در اختیار مقامات ارشد اطلاعاتی و ...فرانسه و دیگر کشورهای غربی قرار داده‌اند.

روزنامه شرق در صفحه نخست روز شنبه ۲۴ تیر گفت‌وگویی را با سفیر فرانسه در ایران منتشر ساخت که نشان می‌دهد تسهیلات ویژه‌ای برای اخذ ویزای فرانسه در نظر گرفته شده است!

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

سند

گفت: روزنامه شرق از انتشار سند رشوه توتال به یک مقام دولتی ایران بدجوری عصبانی شده و شدیدا به کیهان تاخته است!

گفتم: ای بابا! فکر کردم به آن مقام دولتی که ۶۰ میلیون دلار رشوه گرفته و در مقابل آن میلیاردها دلار به کشور ضرر زده است، اعتراض می‌کند!

گفت: ای عوام! کجای کاری؟ از این مدعیان اصلاحات چه انتظاری داری؟!

گفتم: مدیرمسئول همین روزنامه شرق به صراحت اعتراف کرده بود که مجبور بوده برجام را بزک کند تا خسارت آن معلوم نشود و همین روزنامه با تیتر درشت نوشته بود «امضای جان کری تضمین است»! حالا چی شده که سند رشوه توتال را که خود توتال هم به آن اعتراف کرده است معتبر نمی‌داند و قول شفاهی جان کری را که چند روز بعد هم زیر قولش زد، سند تضمین شده می‌داند؟!

گفت: شرق نوشته است چرا کیهان به سند وزارت دادگستری آمریکا استناد کرده است.

گفتم: آیا این سند را انکار می‌کنند؟!... آن قدیم ندیم‌ها، یارو به همسایه خود گفت؛ امروز الاغت را به ما قرض بده و همسایه گفت؛ الاغم را یکی دیگر قرض گرفته و برده است. در همین حال صدای عرعر الاغ بلند شد و یارو گفت؛ الاغت که در خانه است؟ و همسایه گفت؛ مرد حسابی! حرف الاغ را قبول می‌کنی ولی حرف مرا قبول نمی‌کنی؟ و طرف گفت؛ البته که احترام شما سر جای خودش است. ولی عرعر این الاغ صرفنظر از جایگاهی که دارد گویاترین سند درباره دروغگویی توست!

گری سیک:

پیگیری رویکرد تغییر نظام ایران نتایجی معکوس دارد

مقام ارشد سابق دولت آمریکا گفت: افراد زیادی در دولت (ترامپ) وجود دارند که مایل به تغییر نظام در ایران هستند و این بسیار خطرناک است چرا که معمولا این رویکرد نتایج معکوس و تبعات ناخوشایندی را در پی دارد.

«گری سیک» مقام ارشد سال‌های دور دولت آمریکا از جمله مشاور امنیتی ملی «جیمی کارتر» رئیس جمهور سال‌های ۷۷ تا ۸۱ میلادی این کشور، در گفت و گو با نشریه «ایرانیست» با توضیحاتی پیرامون دولت پهلوی و برخی موارد مرتبط و نیز کودتای سال ۱۹۵۳ میلادی به رهبری آمریکا که اینک برخی از اسناد آن از بایگانی خارج شده است، گفت: «این روابط بطور اساسی بر مبنای این ایده شکل یافتند که «ایران یک دشمن» بوده و این نگرش‌ها تاکنون تغییر نکرده و دولتمردان آمریکا نیز مایل به همکاری با ایران نیستند. آن‌ها حتی به تعاملی با ایران که نتایج مثبت داشته باشد همچون مورد افغانستان و دیگر مکان‌ها که شاهدش بودیم نیز علاقه‌ای ندارند و تا جایی که بتوانند مخالف ایران هستند. افراد زیادی در دولت (ترامپ) وجود دارند که مایل به تغییر نظام در ایران هستند و این بسیار خطرناک است.»

گری سیک در باره اظهارات اخیر «رکس تیلرسون» وزیر خارجه آمریکا که درباره تغییر نظام ایران سخن گفته بود و اینکه چرا واشنگتن متوجه نشده روش برخورد با ایران چنین نیست، گفت: «تغییر نظام همواره ایده‌ای وسوسه برانگیز است. دولت‌ها در همه جا فکر می‌کنند که می‌توانند حکومت را تغییر یا حاکمانی را جابجا کنند و همه چیز خوب به پیش می‌رود. اما معمولا این رویکرد نتایج معکوس و تبعات ناخوشایندی را در پی دارد. آن‌ها تاکنون درس عبرت نگرفته‌اند و هنوز معتقدند همه مشکلات آن‌ها به حضور حاکمی در یک مکان گره خورده است.»

وی در ادامه درباره دیدگاه مبهم دولت ترامپ درباره تغییر نظام در ایران و مفهوم آن گفت: « مطمئن نیستم که دولت ترامپ دیدگاهی این چنینی دارد. دولت ترامپ دارای چندین دیدگاه است. هر چند که برای دولتی چون آمریکا وجود چند دیدگاه نیز امری غیرمعمول نیست.» گری سیک درباره گروهک منافقین و گزینه مورد نظر ترامپ برای جایگزینی با جمهوری اسلامی نیز گفت: «آن‌ها بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار دلار به اشخاص برای سخنرانی و ترویج پیامشان مبنی بر اقدام خشونت آمیز علیه نظام ایران و براندازی آن پرداخت می‌کنند. اگر منبع مالی آن‌ها را تشخیص می‌دادیم، آنگاه بهتر این افراد را می‌شناختیم .منابع آن‌ها قابل توجه بوده و دارای نفوذ سیاسی زیادی هستند.»

خبر ویژه

سناتور آمریکایی: براندازی جواب نمی‌دهد به دنبال برجام‌های جدید باشیم

یک سناتور دموکرات می‌گوید سیاست تغییر رژیم ایران، امکان موفقیت پایینی دارد و باید به دنبال توافق بعدی بر مبنای برجام باشیم(!)

سناتور کریس کنز در نشست سنای موسسه خاورمیانه با موضوع «چالش‌های پیش رو در روابط تهران و واشنگتن» درباره سیاست تغییر رژیم ایران گفت: آمریکا به جای پاره کردن برجام باید با همکاری دیگر کشورها روی توافق دیگری بر مبنای ساختار بازرسی کنونی (در این توافق) کار کند.

به گزارش تارنمای سنای آمریکا، کنز با تاکید بر اینکه «آمریکا حق استفاده از نیروی نظامی را برای خود محفوظ می‌دارد» گفت: از آنهایی که سیاست تغییر رژیم را پیشنهاد می‌دهند، می‌خواهم که با توجه به سوابق ما در افغانستان، عراق و لیبی، احتیاط بیشتری به خرج دهند.

کنز ادامه داد: تغییر رژیم ایران امکان موفقیت پایینی دارد. رئیس‌جمهور ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی، سیاست تغییر رژیم را خطرناک و بی‌فایده توصیف کرده بود.

کنز افزود: اگر تجربه‌های اخیر چیزی به ما یاد داده باشد، این است که باید پیامدهای استفاده از نیروی نظامی در خاورمیانه را در نظر بگیریم.

وی با حمایت از ادامه اجرای توافق هسته‌ای گفت: آمریکا به جای پاره کردن برجام باید با همکاری دیگر کشورها روی توافق دیگری بر مبنای ساختار بازرسی کنونی (در این توافق) کار کند. برخی محدودیت‌های اعمال شده بر برنامه هسته‌ای ایران هشت سال دیگر برچیده خواهد شد و باید از امروز به این فکر کنیم که چطور می‌توانیم پس از آن روی این فعالیت‌ها نظارت داشته باشیم.

این سناتور دمکرات ادامه داد: امیدوارم که کانال‌های ارتباطی به وجود آمده در نتیجه برجام بتواند به تنهایی موجب پیشرفت‌های دیپلماتیک شود؛ با این حال وجود آنها برای جلوگیری از سوءتفاهم بین تهران و واشنگتن ضروری است.

وی افزود: ما همچنین باید از این کانال‌های ارتباطی برای فشار به ایران برای آزادسازی اتباع زندانی و مفقود شده آمریکایی مانند رابرت لوینسون و سیامک و باقر نمازی استفاده کنیم.

سلب استقلال سیاسی با منطق قفل شدگی اقتصادی به غرب

«منطق قفل شدن با اقتصاد غرب، استقلال سیاسی را از کشور سلب می‌کند.»

روزنامه جوان در تحلیلی درباره قرارداد با توتال نوشت: اولاً شرکت توتال بدون دریافت اذن و موافقت وزارت خزانه‌داری آمریکا (ولو به شکل محرمانه) اجازه عقد چنین قراردادی را نداشته و ثانیاً به محض بازگشت تحریم‌ها، این قرارداد نیز (اصطلاحاً) در کسر دقیقه ملغی و «کان‌لم‌یکن» شده و دقیقاً مانند برجام تمام خسارات صرفاً متوجه ایران شده و دست مان کوتاه و خرما بر نخیل.

این قراردادها از مدل و استراتژی خاصی در روابط اقتصادی به منظور نابود کردن استقلال اقتصادی کشورها تحت عنوان «استراتژی قفل شوندگی اقتصادی برای مهار رویکردهای سیاسی (Luck-in)» تبعیت می‌کند. اساس این استراتژی استعماری غربی که توسط محمود سریع‌القلم (استراتژیست سیاسی دولت یازدهم و دوازدهم) بومی‌سازی و تجویز شده و در دستور کار دولت قرار گرفته بر دو پایه اصلی قرار گرفته است.

۱- دادن امتیازات بسیار زیاد و خطرناک به یک شرکت چند ملیتی نظیر توتال، شل و... با هدف ساده‌لوحانه دور زدن آمریکا در تحریم‌های پسابرجام به طوری که آمریکا عملاً نتواند بر این قرارداد تأثیر منفی گذاشته یا آن را ملغی نماید که مفهومی جز فروش استقلال کشور برای دور زدن تحریم‌ها ندارد.

۲- تعقیب «استراتژی قفل شوندگی اقتصادی» از طریق «پناه بردن به دشمن به منظور مصون ماندن از شر دشمن» که بی‌تردید استقلال اقتصادی ایران را نشانه خواهد رفت.

سریع‌القلم در دفاع از برجام و ضرورت تبعیت از استراتژی قفل شوندگی گفته است: «از گذشته، اصلی را در اقتصاد سیاسی داشتیم که اگر کشورها به لحاظ اقتصادی با هم قفل شوند، به لحاظ سیاسی خیلی عاقلانه‌تر رفتار می‌کنند. در ماجرای «برجام» برخی حامیان توافق هسته‌ای تأکید داشتند آنچه ادامه آن را تضمین می‌کند، نه این تعهدات بلکه فراهم کردن زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است. منطق اتحادیه اروپا هم همین بود؛ یعنی کشورها وقتی به هم قفل می‌شوند در حوزه‌های سیاسی نمی‌توانند هر کاری که می‌خواهند انجام دهند و مجبور به تعامل می‌شوند.» دولت در مهمترین حوزه نفت و گاز که در واقع مادر اقتصاد ایران محسوب می‌شود، در حال قفل کردن اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی است تا با این اهرم هر دولتی در آینده سیاسی ایران «مجبور» باشد که اولویت‌های طرف قرارداد را بر هر اولویت قانونی، ملی، ارزشی، اعتقادی و ایدئولوژیک دیگری ترجیح دهد. همچنان که ملاحظه می‌شود بحث بر سر مدت قرارداد و سهم ایران و تأثیر این قرارداد بر اقتصاد مقاومتی و به طور کلی خوب یا بد بدون آن از حیث شکلی و محتوایی نیست که اگرچه هر کدام در جای خود مهم هستند بلکه بحث اصلی بر سر این است که با چنین قراردادهایی آیا استقلال اقتصادی کشور تضمین می‌شود؟

دانستن حق مردم و نخبگان است به ویژه درباره قراردادهای مهم

پرهیز از شفافیت و محرمانه کردن امور اجرایی سبب خسارت‌های بزرگ به کشور می‌شود.

روزنامه فرهیختگان در سرمقاله خود نوشت: عقد قراردادهای محرمانه، عدم اعلام صریح اموال شخصی و غیرعلنی کردن مصوبات حساس و اثرگذار در ریل‌گذاری آینده کشور و مثال‌هایی از این قبیل، ذهن قشر نخبه را با این علامت سؤال مواجه می‌کند که چرا مسئولان در انجام یک رویداد مهم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... نظرات و راهنمایی‌های دلسوزانه را نمی‌خواهند بشنوند؟ اگر محرمانه کردن به مثابه یک سنت در سیستم مدیریتی رواج پیدا کند صدمات جبران‌ناپذیری را به کشور وارد می‌کند.

اولین صدمه عدم شفاف‌سازی ضربه به همان محصولی است که محرمانه شده است. وقتی یک قرارداد به طور مثال در حوزه نفت و گاز کشور در شرایط غیرشفاف منعقد می‌شود و جزئیات قرارداد برای مطالعه به کارشناسان داده نمی‌شود، رسیدن به نقطه مطلوب برای آن قرارداد بسیار دشوار است چرا که در بستر کنترل و نظارت جمعی بر مؤلفه‌ها و داده‌ها